

The Precedence of Guild Action over Political Activity; Studying the Confrontation of the Industrial Working Class with the Labor Unions in Isfahan (1941-1953)

Hassan Rajabi Fard*

Karim soleimany Dehkordi**

Abstract

With the decline of Reza Shah's throne in September 1941, the industrial working class—that had previously been formed in Iran—found an opportunity to express its guild demands. Meanwhile, political parties, especially the Tudeh Party, also tried to use the opportunity to propagate among the working class. In short time, they were able to get many privileges from industry owners and the government. At first, Taghi Fidakar tried to keep the union as a guild institution and away from political conflicts, but with his departure from Isfahan, the Tudeh Party used labor activities as a means to achieve political goals and eliminate its rivals, diverting the path of union struggles. This article examines the confrontation between workers and unions using a rational explanation method. Article findings show that the political and guild action of this class was based on a kind of class-consciousness and understanding, and was not merely a factor of unions and parties. On the other hand, the Tudeh Party emphasis on political issues caused the opposition parties to reduce the power of the labor unions by creating a parallel organization and derailing it.

* Associate Professor of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author), soleimanyk@gmail.com.

** PhD student of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, HRF3011@gmail.com

Date received: 30 /01/2022, Date of acceptance: 15 /05/ 2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

The result of this process was the forgetting of guild demands in the shadow of political activities, which caused the most damage to the workers of Isfahan.

Keywords: Industrial working class, Isfahan, Political action, Guild activity, labor unions.



تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی؛ بررسی مواجهه طبقه کارگر صنعتی با اتحادیه‌های کارگری در اصفهان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش.)

حسن رجیبی فرد*

کریم سلیمانی دهکردی**

چکیده

با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، طبقه کارگر صنعتی که پیش از این در ایران شکل گرفته بود، مجالی برای ابراز مطالبات صنفی خود یافت. در این بین احزاب سیاسی به خصوص حزب توده سعی کردند از این فضا استفاده کرده و به تبلیغ در میان طبقه کارگر پردازند. آن‌ها در مدت کوتاهی توانستند امتیازات فراوانی از صاحبان صنایع و دولت بگیرند. در ابتدا تقی فداکار، سعی کرد اتحادیه کارگری را نهادی صنفی و به دور از درگیری‌های سیاسی نگه دارد، اما با خروج وی از اصفهان، حزب توده از فعالیت‌های کارگری به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی و حذف رقبای خود استفاده کرد و مسیر مبارزات صنفی را به انحراف کشاند. این مقاله با روش تبیین عقلانی به بررسی مواجهه کارگران با اتحادیه‌ها خواهد پرداخت. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد کنش سیاسی و صنفی این طبقه مبتنی بر نوعی آگاهی و درک طبقاتی بوده است و صرفاً به عنوان عامل اتحادیه‌ها و احزاب نبودند. از سوی دیگر تأکید حزب توده بر مسائل روز سیاسی باعث شد که طرف‌های مخالف با ایجاد تشکیلات موازی از قدرت اتحادیه‌های کارگری بکاهند و آن را از انسجام خارج سازند. نتیجه این روند فراموش شدن مطالبات صنفی در سایه فعالیت‌های سیاسی بود؛ امری که بیشترین زیان را متوجه کارگران اصفهان کرد.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، hrf3011@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، soleimanyk@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: طبقه کارگر صنعتی، اصفهان، کنش سیاسی، فعالیت صنفی، اتحادیه‌های کارگری.

۱. مقدمه

با سقوط حکومت رضاشاه جامعه ایران فضای سیاسی جدیدی را تجربه کرد. در این فضای آزاد جریان‌ها و جنبش‌های زیادی پدید آمد. یکی از آن‌ها، جریان کارگری در اصفهان بود که توانست به یک نیروی اجتماعی و سیاسی نیرومند تبدیل شود. هم‌زمان با شکل‌گیری این جریان، گروه‌ها و احزاب سیاسی سعی در مصادره و در انحصار درآوردن این جریان کردند. در این میان حزب توده - که خود را متولی و حزب طراز طبقه کارگر می‌دید - به دلیل توجه به این طبقه و ارائه برنامه‌های اجتماعی توانست جایگاه مهم‌تری در این میان کسب کند. در واقع این حزب توانست از نیروی اجتماعی عظیمی که پس از سقوط رضاشاه ایجاد شده بود استفاده کند و خواسته‌های آنان را نمایندگی کند. در واکنش به این موضوع، گروه‌ها و جریان‌های مخالف از دربار گرفته تا دولت، صاحبان صنایع، احزاب دست راستی و گروه‌های مذهبی سعی کردند به مقابله با این جریان بپردازند. طبیعی است در این فضا، جریان کارگری نیز نمی‌توانست نسبت به تغییرات و حوادث سیاسی بی‌تفاوت باشد. کارگران اصفهان با درکی واقع‌گرایانه از وضع موجود به حمایت از گروه‌هایی پرداختند که تصور می‌کردند می‌توانند آن‌ها را به خواسته‌هایشان برسانند. با این حال به دلیل قدرت نیروهای مخالف و آشفتگی اتحادیه‌های کارگری همانند بسیاری از نهادها و احزاب آن دوره نتوانستند از فرصت موجود استفاده کنند و امتیازات اساسی و اصولی دریافت کنند.

با این حال هیچ‌یک از این گروه‌ها صرفاً به دنبال بهبود وضعیت طبقه کارگر و احقاق حقوق آن‌ها نبودند، بلکه هدف اصلی آن‌ها استفاده از توان این جریان برای اهداف سیاسی خود بودند. نتیجه این رویکرد، جلوگیری از شکل‌گیری یک مبارزه صنفی و غلظت‌دین در مبارزات سیاسی بود؛ امری که جنبش کارگری را منحرف کرد و مانع از کارکرد مثبت آن برای طبقه کارگر شد. مسئله اصلی پژوهش حاضر بازخوانی انتقادی مواجهه طبقه کارگر صنعتی در اصفهان با اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی در اصفهان است. جریان غالب تاریخ‌نگاری در این مورد بر نقش احزاب، اتحادیه‌ها و قوانین رسمی و حقوقی تأکید کرده است و وجود و عاملیت خود طبقه کارگر یا انکار شده یا بی‌اهمیت تلقی شده است. در

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۱۷

این رویکرد، کارگران به‌عنوان سوژه مستقل، مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند، بلکه ابزار احزاب و گروه‌های سیاسی بوده‌اند و هیچ درکی از نقش و کنش خود در جریان تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی این دوره نداشته‌اند. هدف این مقاله این است که از روایت غالب فراتر رود و عاملیت و کنش طبقه کارگر صنعتی اصفهان را در مواجهه با حوادث پیرامون خود مورد بررسی قرار دهد.

پژوهش‌های زیادی درباره طبقه کارگر صنعتی اصفهان یا کارخانه‌های این شهر صورت گرفته است که البته در هیچ‌یک از این آثار خود طبقه کارگر سوژه اصلی نبوده است. عبدالمهدی رجایی در کتاب *فراز و فرود صنعت نساجی در اصفهان (۱۳۹۶)* با تأکید بر بحران‌های مالی، ظهور و بروز فعالیت کارگران را نتیجه دخالت‌های نابجای حزب توده معرفی می‌کند. ویژگی این اثر، پرهیز از تکرار روایت چپ و حزبی از تاریخ جنبش کارگری است. این اثر بیشتر از روزنامه‌های جناح راست استفاده کرده و جنبش کارگری را وابسته به حزب توده و خشونت‌آمیز می‌داند و جانب صاحبان صنایع را می‌گیرد. محمدحسین خسروپناه (۱۳۸۴) در مقاله «سرگذشت گریزناپذیر اتحادیه مستقل کارگران اصفهان ۱۳۲۳-۱۳۲۱» به بررسی فعالیت و از دست دادن استقلال «اتحادیه کارگری اصفهان» پرداخته است. وی در این مقاله نقش صاحبان صنایع و حزب توده را در سیاسی کردن فعالیت‌های کارگری برجسته ساخته است. با این حال تنها به بررسی این اتحادیه پرداخته است و نقش سیاست‌های دولتی و احزاب رقیب را بررسی نکرده است. کیمیا کشتی آرا و علیرضا ابطحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به نام «گذری اجمالی بر عملکرد تقی فداکار عضو اتحادیه کارگری حزب توده در اصفهان ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش» تنها بر عملکرد تقی فداکار تأکید کرده‌اند و به نقد فعالیت حزب توده و مواجهه آن با کارگران پرداخته‌اند. الیاس شیخی (۱۳۸۳) در کتاب *اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر و محمود طاهر احمدی (۱۳۷۹)* در کتاب *اسنادی از اتحادیه‌های کارگری (۱۳۳۲-۱۳۲۱ش)* به گردآوری اسناد فعالیت‌های کارگران در اصفهان پرداخته‌اند. سرحان آفاجان هم در رساله *State, Society, and Labour in Iran, 1906-1941: A Social History of Iranian Industrialization and Labour with Reference to the Textile Industry* به بررسی تاریخ اجتماعی صنعتی شدن و کار در صنایع نساجی ایران می‌پردازد. البته این اثر محدود به انقلاب مشروطه تا سقوط حکومت رضاشاه است. در هیچ‌یک از این آثار طبقه کارگر به‌عنوان سوژه‌ای مستقل در نظر

گرفته نشده است و از منظر منافع این طبقه به تحولات سیاسی و اقتصادی این دوره توجه نشده است.

پرسش اصلی مقاله این است که دخالت حزب توده در فعالیت کارگران چه تأثیری بر مبارزه‌های صنفی و سیاسی آن‌ها داشته است؟ آیا می‌توان از عاملیت کارگران در مواجهه با وقایع سیاسی و احزاب این دوره سخن گفت؟

پژوهش حاضر بر این فرضیه تمرکز کرده است که هر فعالیت صنفی ناگزیر تا حدی گرایش‌های سیاسی پیدا می‌کند، اما افراط حزب توده در این زمینه مسیر مبارزات صنفی کارگران را به انحراف کشاند و مانع از دستیابی آن به اهداف خود شد.

هدف این مقاله این است که از تاریخ‌نگاری حزبی و مسلط که نقش نیروهای اجتماعی را نادیده می‌گیرد، فراتر برود و عاملیت طبقه کارگر و تبدیل آن‌ها به یک نیروی اجتماعی را تبیین کند. با وجود گذشت سال‌ها از شکل‌گیری طبقه کارگر در ایران کماکان تاریخ‌نگاری این طبقه مغفول مانده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ‌نگاری کارگری در گذشته معطوف به بررسی تحولات سازمانی، بحث‌های سیاسی و رهبران بود درحالی‌که تأکید تاریخ‌نگاری جدید کارگری بر فرآیندهای کار، فرهنگ روزمره و تجربه زیسته کارگران است (اتابکی، ۱۴۰۰: ۸۷). باین حال نقص عمده این پژوهش‌ها غایب بودن کارگران و تجربه زیسته آن‌ها است. گویی که در تحولات این دوره عاملیتی از خود نداشتند و همواره بازیچه دست گروه‌ها و احزاب سیاسی بوده‌اند.

در تبیین عقلانی، انگیزه‌ها، اهداف، تمایلات و گرایش‌های عمومی در کنش کارگزاران مورد توجه قرار می‌گیرد (اتکینسون، ۱۳۹۲: ۳۹-۴۰). این مقاله، بر پایه تبیین عقلانی تلاش خواهد کرد تا نشان دهد چگونه کارگران بر پایه درکی آگاهانه و واقع‌گرایانه از وضعیت خود به تعامل با احزاب و اتحادیه‌ها پرداختند. از سوی دیگر احزاب سیاسی نظیر حزب توده با اولویت دادن به مبارزه سیاسی و اصالت بخشیدن به آن مانع از ظهور اتحادیه‌های مستقل کارگری شدند.

۲. صنعتی سازی اصفهان و ظهور طبقه کارگر

روند تأسیس کارخانه و صنعتی شدن اصفهان از دوره قاجار و به‌خصوص دوره رضاشاه آغاز شد. البته برخلاف مناطق شمالی کشور که رضاشاه خود متولی تأسیس و اداره

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۱۹

کارخانه‌ها بود، در اصفهان رضاشاه به‌طور مستقیم نقشی در اداره کارخانه‌ها نداشت (نفیسی، ۱۹۸۴، نوار ش ۳: ۱۳) فقط در سال ۱۳۱۱ ش به تجار اصفهان دستور داد که دست به تأسیس کارخانه بزنند (رجایی، ۱۳۹۶: ۱۶۱-۱۶۳). این فرآیند تا زمان رضاشاه بدون مشکل کار می‌کرد اما پس از سقوط رضاشاه به یک‌باره همه چیز تغییر کرد و مدیران کارخانه‌ها، استانداران و کارگران، خود را مسئول امور کارخانه می‌دیدند.

با اشغال ایران توسط متفقین، وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه ایران رو به وخامت گذاشت. بسیاری از مردم توانایی تأمین نیازهای اولیه خود را نداشتند. کاهش ارزش پول ایران و افزایش قیمت مواد غذایی باعث شد مردم و به‌خصوص کارگران که درآمد ثابتی داشتند، با مشکلات فراوانی مواجه شوند. در این میان، فضای باز سیاسی ناشی از سقوط رضاشاه باعث فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی شد. یکی از گروه‌های هدف که بسیار مورد توجه قرار گرفت، کارگران بودند. در واقع علت اصلی گسترش فعالیت کارگری همین وضعیت اقتصادی وخیم بوده است. این موضوع کارگران را آگاه کرد که باید برای به دست آوردن امتیازات و مزایا دست به فعالیت گروهی و منسجم چه صنفی و چه سیاسی - بزنند. در این فضا بود که احزاب سیاسی نیز به کمک کارگران آمدند و آن‌ها را با حقوق خود آشنا کردند و فضا را برای فعالیت‌های صنفی کارگران باز کردند.

برای کارگرانی که در این وضع بودند خواسته‌های احزاب سیاسی و فعالیت سیاسی لزوماً ارزش و اعتباری نداشت. آن‌ها جذب گروهی می‌شدند که تصور می‌کردند بیشتر می‌تواند آن‌ها را به خواسته‌هایشان برساند و مشکلات معیشتی و رفاهی‌شان را حل کند. چنان‌که در مواقع بحران مالی کارخانه‌ها یا زمانی که اعتراض و فعالیت سیاسی را برخلاف منافع خود می‌دیدند از آن دست می‌کشیدند. به یک معنا می‌توان گفت این طبقه به‌نوعی از آگاهی دست‌یافته بود که بر اساس آن دست به اقدام سیاسی یا حمایت از گروه‌های سیاسی می‌زد.

البته صاحبان صنایع هیچ توجهی به خواست کارگران نداشتند. مدیر کارخانه زاینده‌رود در پاسخ به اعتراض کارگران کارخانه که نان می‌خواستند گفت: «بروید کاه بخورید» (خسروپناه، ۱۳۸۴: ۹۸). در واقع صاحبان کارخانه‌ها رابطه میان کارفرما و کارگر را مانند رابطه پادشاه خودکامه و رعیت می‌دانستند (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۶۶). برخی از کارخانه‌ها نظیر کارخانه وطن و کارخانه شهرضا کارگران مرد را اخراج و زنان و کودکان را با حقوق

کمتر و ساعت کار بیشتر استخدام می‌کرد (کمام، دوره ۱۷، کارتن ۸۹، جزوه دان ۷/۵، پوشه ۹؛ روزنامه اخگر، ۱۳۲۱: ۲؛ کیهان، ۱۳۵۹: ۲۱). علت این کار، رکود تولید و عدم ورود مواد اولیه بود. این روند موقت بود و با فروکش کردن آتش جنگ و نیاز سربازان خارجی به منسوجات این کارخانه‌ها رونق فراوانی گرفتند و سود زیادی کسب کردند. میزان این سود به حدی زیاد بود که آن‌ها با همه اقدامات اتحادیه‌های کارگری بازم حاضر به دادن امتیازات گسترده به آنان بودند.

حزب توده در ابتدا بین کارگران فعالیتی نداشت و مخالف تشکیل اتحادیه‌های کارگری بود. استدلال حزب این بود که نمایندگان سیاسی آمریکا و انگلیس تصور می‌کنند که حزب توده در تشکیل و رهبری این اتحادیه‌ها نقش دارد و این وضعیت موجب اخلال در روند تأمین سلاح و تدارکات برای شوروی می‌شود (افتخاری، ۱۳۷۰: ۱۵۳). حزب توده پس از آزادی فضای سیاسی «شورای متحده کارگری» را به وجود آورد. این شورا در ۲۲ خرداد ۱۳۲۱ به فعالیت در اصفهان پرداخت و سعی کرد در میان کارگران این شهر پایگاهی مستحکم برای خود ایجاد کند (شمیده، ۱۳۷۳: ۱۷۰-۱۷۱). با این حال بانفوذترین فرد در محافل کارگری اصفهان، تقی فداکار، وکیل دادگستری بود. او خود اصفهانی بود و توانسته بود اعتماد کارگران را به خود جلب کند. فداکار معتقد بود کارگران به علت عدم اطلاع و نداشتن معلومات نباید عضو حزب شوند و فعالیت سیاسی کنند (چپ در ایران، ۱۳۸۲: ۱۹۸/۲). فداکار همچنین از ترس ملاکین و صاحبان صنایع از کمونیسم استفاده کرد و توانست قدرت را در اختیار بگیرد. فداکار کمونیست نبود و اعتقادی به حزب توده نداشت (میر محمدصادقی، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۳). بسیاری از کادر رهبری حزب نگاه مثبتی به فداکار نداشتند و او را عامل انگلستان می‌دانستند. در واقع حزب مقهور قدرت فداکار در اصفهان شد و ناچار شد او را بپذیرد (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۲۷۴).

حزب توده با حمایت کارگران قدیمی و تقی فداکار کم‌هسته‌های کارگری را تشکیل داد. در ابتدا این فعالیت‌ها پنهانی بود؛ زیرا هنوز نتوانسته بودند رضایت کارگران را برای فعالیت گسترده جلب کنند. اعتصاب کارگران کارخانه زاینده‌رود در ۲۱ تیر ۱۳۲۱ اولین حرکت منسجم کارگران اصفهان بود. در پایان این اعتصاب، کارگران این کارخانه اتحادیه‌ای تشکیل دادند و چهار نفر را به‌عنوان نماینده انتخاب کردند. پس از این اقدام سایر

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۲۱

کارخانه‌ها نیز همین کار را کردند و اتحادیه‌های مشابهی تشکیل دادند (باقری، ۱۳۸۱: ۲۰۷/۱).

به دنبال این اعتصاب در اواخر مرداد ۱۳۲۱ کارگران کارخانه شهرضا اعتصاب کردند و بعدها کارخانه پشم‌باف و صنایع پشم نیز به آن پیوستند (صدری، ۱۳۳۰: ۸). سه روز مذاکره صورت گرفت و کارگران توانستند امتیازاتی از قبیل «افزایش چهل درصدی مزد، تأسیس نانوائی در کارخانه» را از رؤسای کارخانه‌ها بگیرند. نتیجه این روند، آگاهی کارگران از این مسئله بود که می‌توانند با فعالیت صنفی و منسجم وضع زندگی و کار خود را بهبود ببخشند (خسروپناه، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

پس از آن به مناسبت این پیروزی مراسمی در ۲۸ مرداد ۱۳۲۱ برگزار شد و از کارگران تجلیل به عمل آمد. از این مراسم اختلاف بین کادر رهبری بالا گرفت. اعضای شورای مرکزی حزب با محرم علی شمیمه همدلی داشتند، اما سلیمان میرزا اسکندری و کارگران اصفهان از تقی فداکار حمایت می‌کردند. فداکار نیز که اساساً کمونیست نبود و با اقدامات افراطی حزب موافق نبود، از همان ابتدا به شمیمه و اعضای حزب اجازه دخالت نداد (صدری، ۱۳۳۰: ۸).

کارگران کم‌کم فعالیت‌های خود را گسترش دادند و خواستار دریافت امتیازات بیشتر از سوی مدیران کارخانه‌ها شدند. دولت قوام برای جلوگیری از گسترش اعتصاب‌ها گروهی را به ریاست سید علی نصر به اصفهان فرستاد. نتیجه جلسات او و رؤسای کارخانه‌ها امضای قراردادی بود که بر اساس آن ساعت کار به ۸ ساعت کاهش یافت؛ همچنین دستمزد کارگران نوبت شب اضافه شد و امتیازاتی نظیر دریافت دودست لباس در سال و پرداخت اضافه‌کار و امکانات سوادآموزی دریافت کردند (روزنامه عرفان، ۱۳۲۱: ۳). تعدد اعتراضات این‌چنینی نشان از آگاهی طبقه کارگر از وضع خود دارد. آن‌ها دیگر متوجه شده بودند که می‌توانند درخواست‌های صنفی خود را مطالبه کنند و مانع از سلب حقوق خود شوند.

با گسترش اختلافات میان کارگران و رؤسای کارخانه، تقی فداکار و شمیمه تصمیم گرفتند اتحادیه‌ای مستقل با نام «اتحادیه کارگران» تأسیس کنند. مرامنامه این اتحادیه نشان‌دهنده این موضوع است که کارگران در ابتدا تنها به فکر تحقق مطالبات صنفی و

اقتصادی خود بودند و هیچ هدف سیاسی را دنبال نمی کردند. اصول مرامنامه اتحادیه به این شکل بود:

حفظ و حمایت کارگران و عائله آنها، وضع قانون برای کارگر و کارفرما، بیمه اجتماعی کارگران، حل اختلاف کارگران با کارفرمایان تا مادامی که قانون وضع نشده، جلوگیری از قوانین و مقررات ابتکاری مدیران کارخانه‌ها که به ضرر کارگر وضع شده، آزادی کارگر در حدود قانون اساسی و سایر قوانین، تشکیل شرکت‌های تعاونی برای کارگران، جلوگیری از هرگونه تجاوزات کارفرما بر علیه کارگران، تأمین زندگی کارگران و عائله آنها از حیث خواروبار و غیره، تأمین بهداشت کامل کارگران. (ساکما، ۲۹۳۰۰۵۷۰۳).

حزب نیز در نخستین کنفرانس ایالتی به تمجید از عملکرد تشکیلات حزب و کارگران در اصفهان پرداخت و اعلام کرد کارگران این شهر استقبال زیادی از حزب کرده‌اند (روزنامه نامه رهبر، ۱۳۲۱: ۲).

همچنین اتحادیه نامه‌ای به مدیران کارخانه نوشت و اعلام کرد از این پس اختلافات کارگران را این اتحادیه به کمک مقامات رسمی و مدیران حل خواهد کرد (صدری، ۱۳۳۰: ۱۰). در این نامه تأکید شده بود که تشکیل اتحادیه برای جلوگیری از سوءاستفاده سیاسی و برآورده کردن خواسته‌های صنفی است. علاوه بر این، اتحادیه به مدیران اعلام کرد که کارگران اینک نهادی منسجم دارند و خود را به عنوان نماینده کارگران و محل رجوع معرفی کرد.

واکنش شهربانی و رؤسای کارخانه چندان مسالمت‌آمیز نبود. آنها سعی کردند همانند گذشته با خشونت برخورد کنند. کنسول انگلیس در اصفهان معتقد بود صاحبان صنایع عمداً کارگران را تحریک می کنند تا در سایه ایجاد اعتصاب و آشوب مجوز سرکوب آنها را از استاندار اصفهان دریافت کنند (کمام، ۱۳۲۲: ۱-۵؛ لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۷۴-۲۷۵). در ۲۵ اسفند ۱۳۲۱ کارگران کارخانه ریسندگی دهش خواستار یک ماه عیدی خود شدند. این موضوع با واکنش تند مدیر کارخانه مواجه شد و کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داد. کارگران قصد اعتصاب و درگیری داشتند، اما اتحادیه کارگران مانع شد و آنها را مجاب کرد از مراجع قانونی به شکایت خود رسیدگی کنند (ساکما، ۲۹۱۰۰۵۹۹).

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۲۳

صاحبان صنایع پس از مدتی فهمیدند که دیگر با روش‌های دوره رضاشاه نمی‌توانند به مقابله با کارگران پردازند و فضای سیاسی و اجتماعی کشور تغییر یافته است؛ بنابراین سعی کردند از راه دیگر وارد شوند و جایگاه اتحادیه را تضعیف کنند. این کار با تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به مسائل کارگران در شهربانی آغاز شد. آن‌ها می‌خواستند مرجعیت را از اتحادیه بگیرند و خود به محل رجوع کارگران تبدیل شوند. مهم‌ترین دستاورد این کمیسیون، جلسه با صاحبان صنایع و افزایش ناچیز حقوق کارگران بود. اتحادیه کارگران نیز در واکنش به این اقدامات اعتصاب کرد و مانع از موفقیت این سیاست شد.

دولت علی سهیلی (۲۸ بهمن ۱۳۲۱ - ۲۵ اسفند ۱۳۲۲ ش) هیئتی را به ریاست دکتر شیخ به اصفهان فرستاد و این هیئت پس از مذاکره با کارگران و رؤسای کارخانه‌ها در ۶ اردیبهشت ۱۳۲۲ موافقت‌نامه‌ای به امضا رساندند که بر اساس آن حداقل حقوق کارگران کمتر از ۱۴ سال ۸ ریال، زنان ۱۰ ریال و مردان ۱۵ ریال تعیین شد. هر روز به کارگران سهمیه نان رایگان داده شود. در سال دودست لباس به کارگران بدهند. ساعت کار به ۸ ساعت کاهش یابد. کارگرانی که سن آن‌ها از ۱۲ سال کمتر باشد استخدام نکنند. در هر کارخانه ناهارخوری، استراحتگاه و بیمارستان ساخته شود و کارگران نیز متعهد شدند در امور مربوط به مدیران مداخله نکنند (باقری، ۱۳۸۱: ۲۱۴-۲۱۵؛ صدری، ۱۳۳۰: ۱۴-۱۲).

این موفقیتی بزرگ برای اتحادیه‌های کارگری و حزب توده به شمار می‌رفت؛ زیرا به حقوق خود رسیده بودند. صاحبان صنایع که هنوز درک درستی از تغییر واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی اصفهان نداشتند، این توافق‌نامه را اجرا نکردند. اتحادیه نیز با تهدید به اعتصاب، شهر را تعطیل کرد. فرج‌الله بهرامی، استاندار اصفهان نیز طرح انحلال اتحادیه کارگران و کمیته ایالتی اصفهان حزب توده را متوقف کرد. او جلسه‌ای با حضور مدیران کارخانه‌ها و تقی فداکار برگزار کرد. در این جلسه مقرر شد کارگرانی که مخل نظم و امنیت کارخانه شده بودند، اخراج گردند. همچنین اتحادیه و تقی فداکار مسئول حل اختلافات در کارخانه شد (ساکما، ۲۰۱۹: ۲۹۳۰).

۳. تأسیس اتحادیه‌های موازی

تحمل این وضع برای حکومت و صاحبان صنایع آسان نبود و درصدد مقابله برآمدند. آن‌ها از راه‌های گوناگونی سعی به مقابله با کارگران گرفتند: تأسیس اتحادیه‌های موازی، درگیری و متشنج کردن اوضاع کارخانه‌ها، انحلال اتحادیه‌ها.

یکی دیگر از سیاست‌های مخالفین حزب توده برای مقابله با این جریان، تأسیس نهادهای موازی بود. این سیاست هم در اصفهان و هم مناطق نفت‌خیز جنوب دنبال شد (آذربایجان، ۱۳۹۹: ۱۳۸) سیاستی که به شکست منجر شد؛ زیرا هیچ‌یک از این احزاب و گروه‌ها، برنامه منسجمی برای اصلاحات سیاسی و اجتماعی نداشتند. علاوه بر این، اساساً درکی از کار تشکیلاتی و منسجم نداشتند و صرفاً به منظور مخالفت با حزب توده ایجاد شده بودند. در خرداد ۱۳۲۲، شعبه «حزب نهضت ملی ایران» فعالیت خود را در اصفهان آغاز کرد. این حزب هدف خود را برپایی «انقلاب معنوی» دانست و به مخالفت با «انقلاب مادی» پرداخت (صدری، ۱۳۳۰: ۲۳). نهضت ملی ایران نیز فاقد برنامه اجتماعی بود و نتوانست کارگران را جذب کند. در واقع هدف اصلی حزب نهضت ملی، کارگران نبودند، اما چون حزب توده در میان این طبقه نفوذ گسترده‌ای داشت، ناگزیر کارگران نیز وارد این مبارزه شدند. در خرداد ۱۳۲۲ برخوردهای متعددی بین اعضای نهضت ملی و اعضای اتحادیه کارگران و حزب توده به وجود آمد. در یک مورد نمایندگان اتحادیه کارگری سخنرانی اعضای نهضت ملی را برهم زده و درب ساختمان حزب را گل گرفتند (ساکما، ۱۳۷۷: ۲۹۱).

اقدام دیگر مخالفان اتحادیه کارگری، تشکیل شعبه حزب و وطن در اصفهان بود. علی‌بشارت در اوایل دی‌ماه ۱۳۲۲، این شعبه را در اصفهان تشکیل داد. اعضای این حزب به اتحادیه کارگران حمله و کارگران کارخانه ریسباف و شهرضا را مجروح ساختند. اتحادیه نیز به دفاع از خود پرداخت و درگیری شدیدی رخ داد که سرانجام با دخالت نیروهای نظامی پایان یافت. شمس صدری که خود از مخالفین اتحادیه کارگری بود بر عاملیت حزب و وطن در این درگیری‌ها تأکید دارد (صدری، ۱۳۳۰: ۳۵-۳۶).

با این حال روزبه‌روز بر قدرت اتحادیه افزوده می‌شد. مرگ سلیمان میرزا اسکندری مجال دیگری به اتحادیه کارگری داد تا بتواند حضور خود در جامعه را به همگان نشان دهد. در مراسم تشییع جنازه وی ۲۵ هزار نفر که بیشتر از طبقه کارگر بودند شرکت کردند.

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۲۵

پس از این وقایع، نیروهای سیاسی اصفهان دریافتند که نیروی جدیدی در عرصه اجتماع و سیاست این شهر ظهور کرده است که توان بالایی برای جذب و به صحنه آوردن نیروهایش دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت (صدری، ۱۳۳۰: ۲۷). در تمام این دوره حزب توده به دنبال استفاده از کارگران در راستای اهداف سیاسی خود بود. در ۲۹ مرداد ۱۳۲۳ به مناسبت سومین سال تأسیس اتحادیه کارگران جشنی در اصفهان برگزار شد. اتحادیه و کارگران تصمیم گرفتند در این مراسم تبلیغات حزبی و سیاسی صورت نگیرد. به همین دلیل سران حزب توده در مراسم شرکت نکردند. سران حزب همچنین به مرکز حزب تلگرافی زدند و نمایندگان کارگران را خائن نامیدند و خواستار اخراج آنان شدند (صدری، ۱۳۳۰: ۵۳).

انتخابات انجمن شهر و مجلس شورای ملی عرصه دیگری برای قدرت‌نمایی نیروهای اجتماعی اصفهان آن دوره بود. اتحادیه کارگران اصفهان در انتخابات انجمن شهر و مجلس شورای ملی توانست با اتکا به رأی کارگران قدرت را از دست نیروهای سنتی بگیرد. البته اتحادیه تجار در تلگرافی که به مسئولین کشوری فرستاد از دخالت فراوان حزب توده در انتخابات انجمن‌ها شکایت کرد. این اتحادیه مدعی شد هیچ‌یک از افراد طبقات تجار، اصناف و مالکین به دلیل تهدید حزب توده نتوانسته‌اند در انتخابات شرکت کنند (ساکما، ۲۹۹۰۰۰۲۹۹).

انتخابات مجلس نیز به صحنه نزاع میان گروه‌های سیاسی و اجتماعی اصفهان تبدیل شد. در یک‌طرف تقی فداکار بود که کارگران از او حمایت می‌کردند. در طرف دیگر سید حسام‌الدین دولت‌آبادی نماینده ملاکین بود. حیدر علی امامی هم نماینده صاحبان صنایع و بازرگانان زمین‌داران قدیمی بود. در واقع مخالفین کارگران و حزب توده نیز به حمایت از امامی و دولت‌آبادی پرداختند. حزب توده در ابتدا از نمایندگی بقراطی حمایت می‌کرد، در حالی که کارگران و اتحادیه از تقی فداکار حمایت می‌کرد. سرانجام فداکار توانست نامزد انتخابات مجلس شود. برخی از توافقی بین صارم‌الدوله، فرج‌الله بهرامی (استاندار) و تقی فداکار سخن می‌گوید (شمیده، ۱۳۷۳: ۱۸۳؛ آذربایجانی، ۱۳۹۹: ۸۳). این ائتلاف حمایت روس و انگلیس را هم داشت (شهیدی، ۱۳۵۱: ۴۷). در نتیجه این ائتلاف، فداکار، دولت‌آبادی و امامی انتخاب می‌شوند و اعزاز نیک‌پی که خارج از این ائتلاف بود رأی بسیار پایینی نسبت به سایرین کسب می‌کند (روزنامه سرنوشت، ۱۳۲۲: ۱). در بیانیه‌ای که حزب توده به مناسبت انتخابات صادر کرد از کارگران خواست برای احقاق حقوق خود به

فداکار - نماینده واقعی کارگران - رأی بدهند (صدری، ۱۳۳۰: ۲۹). در نتیجه این اقدامات، تقی فداکار به عنوان نماینده مجلس انتخاب شد و خروج او از اصفهان باعث خوشحالی صاحبان صنایع و حزب توده شد؛ زیرا وجود تقی فداکار را مانعی بر سر راه خواسته‌های خود می‌دیدند. البته انگیزه‌های دو طرف کاملاً متفاوت و حتی متضاد بود. رؤسای کارخانه‌ها می‌خواستند قدرت اتحادیه و کارگران را تضعیف کنند. حزب توده نیز در صدد گسترش فعالیت‌های حزبی و سیاسی در میان کارگران بود؛ کاری که با وجود فداکار قادر به انجام آن نبودند.

روی کار آمدن دولت محمد ساعد (۶ فروردین ۱۳۲۳ - ۱۸ آبان ۱۳۲۳) و رفتن فداکار از اصفهان باعث شد مدیران کارخانه‌ها بیشتر به کارگران فشار بیاورند. حزب توده نیز که پیش از پیش تندرو شده بود به مقابله با آن‌ها پرداخت. نتیجه این کار چرخه بی‌پایانی از اعتصاب و درگیری بود. این مسائل در روند طبیعی کسب حقوق کارگران اختلال ایجاد کرد و باعث شد مسائل سیاسی نسبت به مسائل صنفی در اولویت قرار بگیرد. ساعد به جای فرج‌الله بهرامی، رضا افشار را استاندار اصفهان کرد. او نیز به مقابله با حزب توده و نیروهای آن پرداخت. فداکار از آنجایی که اصفهانی بود می‌توانست تا حد زیادی کارگران را با خود همراه کند، اما کارگران اصفهانی تحمل سیادت شورای متحده مرکزی که دستوراتش را از تهران و حزب می‌گرفت را نداشتند. حزب توده در اردیبهشت ۱۳۲۳ ش. شورای متحده کارگران را تشکیل داده و خواستار عضویت همه کارگران در این شورا شده بود. زیاده‌خواهی حزب توده باعث بروز اختلاف میان این شورا و اتحادیه کارگران شد. حزب می‌خواست اتحادیه به‌طور کامل از حزب توده تبعیت کند. همچنین با خروج فداکار دیگر تعداد زیادی از کارگران حاضر به تبعیت از شورای متحده نبودند. در واقع شورای متحده، حزب توده را «راهنمای طبقات زحمتکش ایران» می‌دانست و به‌طور کامل از آن تبعیت می‌کرد (اقدامات غیرقانونی شورای متحده، ۱۳۲۵: ۸). همه این عوامل باعث ضعف اتحادیه کارگری و قدرت‌گیری گروه‌های رقیب شد.

در شرایطی که اتحادیه و کارگران زیر فشار صاحبان صنایع و نیروهای دولتی بودند، کارگران توده‌ای کارخانه پشم‌باف در ۳ مهر ۱۳۲۳، بیانیه‌ای صادر و اعلام کردند دیگر از تصمیمات اتحادیه کارگران تبعیت نمی‌کنند. آن‌ها در ادامه نوشتند: «ما طرفدار حزب توده ایران که حامی طبقه کارگران و زحمت‌کشان است هستیم و تا آخرین نفس برای جان‌فشانی

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۲۷

در راه حزب نیرومند خود و خورد کردن ارتجاع داخلی مبارزه خواهیم کرد» (صدری، ۱۳۳۰: ۶۲-۶۳). در واقع حزب نیز از تشنج اوضاع کارخانه‌ها سود برد و از آن به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف‌های خود استفاده کرد. به تعبیر شمس صدری «حزب و شورای متحده معتقد بود که حق کارگر را از راه سیاست باید گرفت و تا تأمین نظر سیاسی حزب [کارگر] باید گرسنه باشد تا به [این] امید دستورات حزبی را کاملاً اجرا نمایند» (صدری، ۱۳۳۰: ۱۸). در ذهنیت حزب توده هر فعالیتی در ذات خود سیاسی بود. در این رویکرد حرکت‌های صنفی نیز باید در خدمت اهداف سیاسی قرار می‌گرفت. از این منظر حزب توده جایی برای ابتکار عمل اتحادیه در نظر نمی‌گرفت و همه دستورات سیاسی حزب و «رفقای بالا» باید انجام می‌شد (کی مرام، ۱۳۷۴: ۴۹).

اتحادیه کارگران در واکنش به این اقدام برخی از کارگران توده‌ای نظیر نعمت‌الله بهرام پور را اخراج کرد. به‌منظور حل این بحران، حزب توده ابتدا کامبخش و سپس دکتر یزدی را برای مصالحه فرستاد و سرانجام اتحادیه و حزب در ۱۶ مهرماه یک بیانیه مشترک دادند که بر اساس آن، اتحادیه کارگران باید خطی مشی سیاسی حزب توده که «یگانه حزب آزادی‌خواه و پشتیبان طبقه کارگر» است را دنبال کند. البته حزب به اعضای اتحادیه کارگران این اجازه را داد که به اختیار خود به عضویت حزب توده درآیند (صدری، ۱۳۳۰: ۶۹-۷۱). این موضوع باعث درگیری کارگران طرفدار اتحادیه و طرفدار حزب توده شد. درگیری‌ای که بیش از همه صاحبان کارخانه‌ها و اتحادیه‌های رقیب از آن نفع بردند.

مطرح شدن ماجرای نفت شمال و بعدها ماجرای فرقه دموکرات، موقعیت شورای متحده را تضعیف کرد؛ زیرا حزب توده، شورای متحده و روزنامه‌های نزدیک به این حزب به حمایت از این جریان‌ها پرداختند. حزب از اتحادیه کارگران خواست تا به نفع واگذاری نفت شمال به شوروی تظاهرات کند، اما کارگران استقبال زیادی از این ماجرا نکردند (صدری، ۱۳۳۰: ۷۶).

دی‌ماه ۱۳۲۳ نقطه عطفی در مبارزات کارگران بود. انتخابات نمایندگان کارگران در کارخانه‌ها برگزار شد و منتخبین کارگران از افراد مخالف حزب توده بودند. در اولین کنفرانس نمایندگان کارگران، شمس صدری به‌عنوان رئیس انتخاب گردید (روزنامه عرفان، ۱۳۲۶: ۴). صدری، احمد کفعمی، حسین صرافیان، امیرکیوان و چند تن از کارگران در ۲۵ دی‌ماه ۱۳۲۳ اتحادیه جدیدی به نام «اتحادیه کارگران و پیشه‌وران و دهقانان» تأسیس

کردند. شاپور بختیار (سرپرست اداره کار اصفهان)، شمس صدری و امیر کیوان را وابسته به جناح راست و سرمایه‌دار می‌دانست (بختیار، ۱۹۹۸: ۲۲-۲۱). کنسولگری انگلستان نیز به دست‌نشانده بودن مدیران این اتحادیه اذعان داشت (coll 28/116' Persia (iran). Isfahan- (Consular situation reports '6r: 11).

مهم‌ترین هدف اتحادیه جدید نه مبارزه صنفی، بلکه مقابله با حزب توده بود؛ بنابراین مطالبات صنفی کارگران فراموش شد و درگیری‌های سیاسی و خشن جای آن را گرفت. در یک مورد از این درگیری‌ها حسین صرافیان از رهبران اتحادیه «کارگران و پیشه‌وران و دهقانان» به دست نیروهای نزدیک به حزب توده کشته شد. اتحادیه شمس صدری نیز در تلافی به بهرام پور حمله کرد و او را به شدت زخمی کرد. در درگیری دیگری، امیر کیوان نابینا شد (باقری، ۱۳۸۱: ۱/۲۴۷-۲۴۸).

پس از ساعد، مرتضی قلی خان بیات (۴ آذر ۱۳۲۳-۲۸ فروردین ۱۳۲۴) روی کار آمد و فشارها از روی حزب توده کاسته شد. رضا افشار نیز از کار برکنار و محمدعلی وارسته استاندار اصفهان شد، اما به زودی این دولت از کار برکنار شد (کیانی و بدیعی، ۱۳۷۹: ۳۰۶). پس از کابینه حکیمی، دولت محسن صدر (۱۶ خرداد ۱۳۲۴-۲۹ مهر ۱۳۲۴) به شدت با حزب توده مقابله کرد. حزب توده نیز او را «جلاد باغشاه»^۱ نامید (روزنامه بشر، ۱۳۲۴: ۱؛ کی مراد، ۱۳۷۴: ۱۱۳). صاحبان صنایع و اتحادیه‌های کارگری رقیب باهم اجماع کردند و به مقابله با حزب و اتحادیه کارگری منتسب به آن پرداختند. حزب نیز منافع کارگران را به مسائل سیاسی رقم زد.

شورای متحده تا پیش از پایان جنگ سعی می‌کرد اختلافات کارگر و کارفرما را به‌طور مسالمت‌آمیز حل کند و مانع از تعطیلی کارخانه‌ها و اعتصاب کارگران شود، اما با اتمام جنگ و پیروزی شوروی، حزب سیاست خشن‌تری در پیش گرفت. از سوی دیگر، دولت و صاحبان صنایع و احزاب مخالف نیز دست به مقابله زدند (چپ در ایران، ۱۳۸۲: ۵۷۷). باقری در این باره گفته است: «تبلیغات [حزب] نمی‌گذاشت ما حرف و درد کارفرماها را بفهمیم و به منطبق آن‌ها گوش بدهیم؛ و دائماً در پی ایجاد جدال‌های بی‌مورد با کارفرما و ستیزه و عدم سازش در محیط کار و کارخانه‌ها باشیم» (باقری، ۱۳۸۱: ۱/۲۵۰). همچنین گروهی از روشنفکران حزب، «جبهه خونین» تشکیل داده بودند و کودکان صاحبان کارخانه‌ها را می‌زدیدند (شمیده، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۲۹

از سوی دیگر برخی از مدیران کارخانه‌ها نیز حاضر به برطرف کردن مسائل رفاهی کارگران نبودند. کمیته ایالتی حزب توده، شهربانی را همدست رؤسای کارخانه‌ها معرفی کرده و آن‌ها را به سرکوب کارگران متهم کرد (روزنامه ظفر، ۱۳۲۴: ۱). همچنین در سال ۱۳۲۴، شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری نسبت به توهین روزنامه اصفهان به کارگران اعتراض کرد. این روزنامه که به کارخانه‌دارها نزدیک بود کارگران را متهم کرد که قصد غارت دفتر روزنامه اصفهان را دارند. این امر با واکنش اتحادیه مواجه شد و آن‌ها از استناداری خواستند تا با حفاظت از دفتر این روزنامه مانع از شیطنت بدخواهان کارگری بشود (ساکما، ۲۹۱۰۰۰۱۴۸۲). در گزارشی، یکی از کارگران به دلیل در دست داشتن روزنامه نامه رهبر به وسیله «چاقوکش‌های» کارخانه کازرونی مورد حمله و حبس در کارخانه قرار گرفت (کمام، ۱۴/۹۱/۷/۱/۳۷۲). روزنامه سپنتا در مقاله‌ای ضمن انتقاد شدید از مدیران کارخانه‌ها خواستار بیمه کردن کارگران شد. این روزنامه در ادامه نوشت: «این خمره‌های متحرک و مجسمه‌های حرص و طمع فقط به فکر پُر کردن جیب خود بودند و به کلیه قوانین بین‌المللی کار و آئین‌نامه‌های رسمی پشت پا زدند» (روزنامه سپنتا، ۱۳۲۵: ۱). این در حالی بود که شاخص قیمت‌ها از رقم ۱۰۰ به ۲۴۳ افزایش یافته بود ولی دستمزدهای روزانه کارگران از ۴ به ۸ ریال رسیده بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۳۶). البته بعضی از صاحبان صنایع سعی کردند با تأسیس مراکز درمانی نظیر بیمارستان و درمانگاه، خواسته درمان رایگان کارگران را محقق کنند و با تبلیغات حزب توده در این زمینه مقابله کنند (روزنامه عرفان، ۱۳۲۶: ۳؛ نفیسی، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۴).

با این حال حمایت صاحبان صنایع و استاندار اصفهان از این اتحادیه باعث غلبه این جریان بر شورای متحده شد و در سال ۱۳۲۴ ش اتحادیه کارگران و پیشه‌وران و دهقانان به اصلی‌ترین نهاد کارگران در اصفهان تبدیل شود. هرچند نتوانستند همانند گذشته به نقش آفرینی گسترده در میان کارگران پردازند. در واقع در این زمان عملاً اتحادیه‌های موازی متولی امور کارگران شدند. طبیعی است که در این شرایط حتی مطالبات صنفی مستقل نیز نمی‌توانست مورد اعتنا قرار گیرد و برچسب فعالیت سیاسی به نفع حزب توده به آن زده می‌شد.

ابراهیم حکیمی (۹ آبان ۱۲۳۴ - ۳۰ دی ۱۳۲۴) نیز مدت کوتاهی پس از قبول صدارت برکنار شد. دوره قوام (۸ بهمن ۱۳۲۴ - ۹ مرداد ۱۳۲۵) از مهم‌ترین دوره‌های فعالیت حزب

توده و به تبع آن طبقه کارگر در اصفهان بود. سیاست نزدیکی قوام به حزب توده و حمایت حزب توده از غائله آذربایجان باعث شد بخش زیادی از نیروهای کارگر به مخالفت با این حزب بپردازند. از سوی دیگر اتحادیه رقیب حزب توده، «اتحادیه کارگران و پیشه‌وران و دهقانان» به مخالفت با این غائله پرداخت و از طرف کارگران اصفهان از این اقدام ابراز انزجار کرد (ساکما، ۲۹۱۰۰۰۴۷۶). حزب در دوره قوام به تصفیه گسترده نیروهای مخالف در اصفهان پرداخت و بسیاری از نیروهای حزبی را جایگزین افراد سابق در ادارات کرد (نیک پی، ۱۳۴۷: ۱۱۶). با قدرت‌گیری حزب در اصفهان دوباره شاهد افزایش عرایض و خواسته‌های صنفی کارگران هستیم. در واقع نزدیکی دولت قوام به حزب توده باعث شد تا حزب قدرت بگیرد و نیروهای نزدیک به حزب توانستند دامنه فعالیت خود را گسترده‌تر سازند. در واقع در سال ۱۳۲۵ حزب توده به قوام فشار می‌آورد تا فداکار را به تهران بازگرداند. حزب، او را به‌عنوان مانعی بر سر راه فعالیت سیاسی خود می‌دید. قوام نیز با این کار موافقت کرد، اما کارگران که خطر را حس کرده بودند مانع از این اقدام شدند (باقری، ۱۳۸۱: ۲۵۸/۱).

با تأسیس حزب دموکرات ایران در هشتم تیر ۱۳۲۵ ورق برگشت. قوام، مظفر فیروز را برای حل مشکل اصفهان و تأسیس حزب دموکرات در این شهر به آنجا فرستاد. مظفر فیروز در خاطرات خود از آمادگی قشقایی‌ها و بختیاری‌ها برای حمله به کارگران اصفهان سخن گفته که با تلاش وی رفع شده است (فیروز، ۱۹۹۰: ۲۲۹؛ روزنامه مردان روز، ۱۳۲۵: ۳). حزب دموکرات پس از تثبیت جایگاه خود به مقابله با حزب توده پرداخت. وزرای توده‌ای نیز از کابینه اخراج شدند. تابلوی اتحادیه حزب توده از همه کارخانه‌ها پایین کشیده شد و در انتخابات نمایندگان کارگران به‌جز کارخانه پشم‌باف در سایر کارخانه‌ها نمایندگان مخالف حزب توده قدرت گرفتند. همچنین سندیکاهای طرفدار حزب توده به حزب دموکرات پیوستند (کی مرام، ۱۳۷۴: ۱۴۴؛ باقری، ۱۳۸۱: ۲۵۹/۱). برخی از کارگران نیز در همین زمان در تلگراف‌خانه اصفهان تجمع کردند و انزجار خود را از اقدامات حزب توده اعلام کردند (مُتَمَّا، ۱۳۲۵). این موضوع نباید به تناقض در رفتار کارگران تعبیر شود؛ زیرا جریان کارگری یک سیر ثابت و خطی را طی نمی‌کرد و برحسب شرایط سیاسی و اقتصادی راهبردها و شکل مبارزه خود را تغییر نمی‌داد. در واقع کارگران با آگاهی از وضعیت موجود دست به انتخاب می‌زدند. در واقع کارگران صرفاً دل‌بسته این گروه یا آن

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۳۱

حزب نبودند، بلکه به هر گروهی که می‌توانستند خواسته‌های آن‌ها را نمایندگی کند، گرایش پیدا می‌کردند.

گسترش بحران مالی ناشی از رکود کارخانه‌ها نیز به این وضع دامن زد. این بحران به دلیل کاهش تقاضا و واردات گسترده پارچه بود. کنسولگری انگلستان گزارش داد علت این امر، سرزیرشدن یونیفرم‌های مازاد ارتش آمریکا بود که تبدیل به لباس استاندارد مردانه، هم برای مردم شهر و هم برای عشایر شد. (Sfahan- Consular coll 28/116' Persia (iran). situation reports '6r: 11). این روند تا سال‌های نزدیک به کودتا ادامه داشت و روزنامه‌های اصفهان مقاله‌های فراوانی در این باره نوشتند (روزنامه پیک اصفهان، ۱۳۳۲: ۱؛ روزنامه خدائی، ۱۳۳۱: ۱). نتیجه منطقی این وضعیت انحراف مسیر مبارزات صنفی کارگران بود.

پس از پایان جنگ، تجارت جهانی دوباره رونق گرفت. از سوی دیگر دولت دیگر لزومی به حمایت از صنایع داخلی نمی‌دید (رجایی، ۱۳۹۶: ۲۰۷). با این حال در نظر حزب توده، کماکان مبارزه سیاسی بر واقعیت زندگی کارگران اولویت داشت. مخالفان اتحادیه‌های کارگری به خصوص در غرب به این مسئله اشاره می‌کنند که اتحادیه‌های کارگری با افزایش بها و دستمزد کارگر بیش از سطح بازار به پویایی اقتصادی ضربه می‌زنند و باعث آشفتگی در وضعیت کار و اقتصاد جامعه می‌شوند (لی، ۱۳۸۴: ۷). فارغ از بحث‌های نظری و استدلال‌هایی که در مخالفت با این جریان شکل گرفته است، این امر در برخی موارد درباره اتحادیه‌های کارگری نزدیک به حزب توده در اصفهان صدق می‌کرد. برای نمونه کارخانه زاینده‌رود به خاطر به فروش نرفتن محصولات و واردات پارچه تحت فشار بود، اما حزب، رؤسای کارخانه را مقصر می‌دانست و کارگران را تحریک به مقابله با رؤسای کارخانه می‌کرد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۱۷/۲-۱۱۸). در این شرایط کارگران خود از شعارهای تند و گروه‌هایی که این شعارها را می‌دادند دوری کردند و صرفاً به دنبال حفظ شرایط کاری خود بودند. مثلاً در سال ۱۳۲۷ که برخی کارخانه‌ها به علت عدم سوددهی تعطیل شده بودند. کارگران تصمیم گرفتند این کارخانه‌ها را خود راه‌اندازی کنند. آن‌ها نزد فرماندار نظامی اصفهان رفتند و با وساطت او با مدیران کارخانه جلسه‌ای برگزار کردند و کارخانه شروع به فعالیت کرد (باقری، ۱۳۸۱: ۲۶۴/۱-۲۶۵). شرایط به حدی وخیم شد که برومند، نماینده مجلس اعلام کرد در اصفهان «منجستر ایران» هرروز یک کارخانه تعطیل می‌شود و هزاران کارگر از کار بی‌کار می‌شوند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، ۱۶ خرداد ۱۳۲۹).

انتخابات مجلس پانزدهم نشان داد که نه حزب توده و نه دیگر نمایندگان طبقه کارگر دیگر قدرت پیشین را ندارد. آن‌ها نتوانستند به مجلس راه پیدا کنند. در واقع کارگران از عملکرد فداکار در مجلس ناراضی بودند؛ زیرا او در مجلس چهاردهم نه به‌عنوان نماینده کارگران و نماینده اصفهان بلکه بیشتر به‌عنوان عضوی از فراکسیون حزب توده فعالیت می‌کرد (افق‌ری، ۱۳۹۸: ۱۵۱). در مرداد سال ۱۳۲۶ ش. جمعی از کارگران تلگرافی به کمیته مرکزی حزب توده تهران فرستادند و اعلام کردند که تقی فداکار را به‌عنوان نماینده به رسمیت نمی‌شناسند. در پاسخ به این اقدام، گروهی دیگر از کارگران نامه‌ای نوشته و نویسندگان نامه پیشین را از «طبقه سرمایه‌دار» دانسته و از فداکار حمایت کردند (شیخی، ۱۳۸۳، سند ش ۴۵/۱). انتشار گزارشی مبنی بر سوءاستفاده مالی فداکار از صندوق اتحادیه باعث شد جمعی از کارگران از او شکایت کنند و از مراجع قانونی محاکمه وی را خواستند (کمام، انتخابات، جزوه دان ۵، پرونده ۸ ردیف ۱). این مسئله باعث افت محبوبیت فداکار در میان کارگران شد. ادامه این روند منجر به انزوای اتحادیه‌های کارگری و از بین رفتن قدرت آن‌ها شد. در دوره صدارت قوام، ابتدا کارگران سعی کردند به حزب دموکرات نزدیک شوند. قوام نیز سعی کرد تا حدی مطالبات آن‌ها را پاسخ دهد؛ اما از آنجایی که اساساً این حزب و اتحادیه‌های کارگری موازی هیچ‌طرحی برای کارگران نداشتند عملاً نتوانستند موفقیت‌چندانی در میان کارگران کسب کنند. حتی قوانینی که دوره قوام برای بهبود وضع کارگران تصویب شد، هیچ‌کدام اجرایی نشد یا موفق نبودند (coll 28/9 (2) Persia; internal (affairs; including new labour law of 1946 and general labour conditions in Persia: 7).

علت موفقیت حزب توده در برخی از مقاطع این بود که توانست توده‌های کارگر را جذب کند و از مبارزات آنان پشتیبانی کند و امتیازهای زیادی به نفع آن‌ها بگیرد (باقری، ۱۳۸۹: ۲۷۷/۲). حتی اتحادیه‌ای نظیر اتحادیه کارگران و پیشه‌وران و دهقانان که با اتحادیه دولت «اسکی» ادغام شده بود دچار اختلافات درونی شد و گروهی از کارگران به رهبری امیر کیوان «اتحادیه مرکزی کارگران و کشاورزان» یا «امکا» را تأسیس کردند. هدف کارخانه‌داران از تأسیس این اتحادیه جلوگیری از قدرت‌گیری اسکی و کنترل آن بود. پس از سقوط قوام، اسکی نیز نتوانست اتحادیه مستقلی فراهم سازد. خسرو هدایت، از رهبران اسکی، هدف اصلی اتحادیه را مبارزه با حزب توده می‌دانست و مسائل رفاهی کارگران را در درجه دوم اهمیت قرار می‌داد (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۳۲۵). هدایت در بیانیه‌ای که پس از سفر به اصفهان منتشر کرد به این مسئله اذعان کرد که کارگران اصفهانی باوجود «درهم

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۳۳

شکستن لانه فساد خیانت‌کاران» یعنی حزب توده، به لحاظ صنفی در وضعیت ناگواری هستند و از بهداشت و آموزش مناسب محروم هستند (روزنامه عرفان، ۵ آذر ۱۳۲۶: ۲).

مهم‌ترین ویژگی فعالیت‌های کارگری در این دوره درگیری میان اتحادیه‌ها و هدایت آن توسط دولت بود و تحرک عمده‌ای در میان کارگران و اتحادیه‌های کارگری مشاهده نمی‌شد. این روند با ترور شاه شدت گرفت و حزب توده دیگر نتوانست فعالیت گسترده‌ای در میان کارگران داشته باشد. در واقع در اینجا اتفاقی که می‌افتد این است که با خروج فداکار از اصفهان، دیگر نیرویی برای جلوگیری از اقدامات خشن حزب توده نبود. در این فضا کارگران دو انتخاب بیشتر نداشتند. یا در ردیف حزب توده قرار بگیرند یا به اتحادیه شمس صدری بپیوندند. اتحادیه صدری عملاً هدف و برنامه‌ای جز مقابله با حزب توده نداشت و بنابراین نتوانست به نفع کارگران اقدامی بکند. از سوی دیگر اقدامات خشن حزب توده با واکنش حکومت (به‌خصوص در اواخر دوره قوام) و کارگران مواجه شد (طیرانی، ۱۳۸۴: ۱/ ۲۸۶). مسئله دیگری که کمتر به خود کارگران ربط داشت، اما تأثیر زیادی بر وضع آن‌ها گذاشت، افول جایگاه حزب توده در صحنه سیاست ایران بود. حزب پس از تغییر سیاست قوام به شدت سرکوب شد و از قدرت کنار رفت. ترور شاه آخرین ضربه مهلک به موقعیت حزب بود؛ بنابراین حزب که مبارزات کارگری را به سرنوشت خود گره زده بود، با افول قدرتش مبارزات کارگری را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و به‌جز مقطعی کوتاه و در زمان ملی شدن صنعت نفت دیگر نتوانست فعالیت خاصی انجام دهد. اتحادیه‌هایی که از حمایت دولت برخوردار بودند نیز پس از افول حزب توده به دوشاخه تجزیه شدند و عملاً کارایی خود را از دست دادند. پس از کودتا نیز حکومت سعی کرد با اعطای امتیازات رفاهی و صنفی زمینه فعالیت نیروهای چپ و کارگری را از میان بردارد. شاه در آبان ۱۳۳۲ در سفر به اصفهان به رؤسای کارخانه‌ها توصیه کرد «اکنون که از خطر نجات یافته‌اید، سعی کنید موجبات رضایت کارگران را فراهم سازید تا خدای نخواستہ مجدداً گرفتار خطرهای دیگر نشوید که این مرتبه رهائی از این مهلکه عظیم غیرممکن است.» (روزنامه عرفان، ۱۳۳۲: ۱). در نتیجه دولت و صاحبان صنایع، نهادهای کارگری را به انحصار خود درآوردند.

۴. نتیجه گیری

هدف این مقاله بررسی کنش کارگران اصفهان در قبال احزاب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری به‌ویژه حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ بود. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد حزب توده مانند سایر جریان‌های سیاسی در جریان مبارزات کارگری به دنبال اهداف سیاسی بود و مسائل صنفی، ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی بود. از سوی دیگر انعطاف‌ناپذیری صاحبان صنایع و وضعیت معیشتی کارگران زمینه مناسب را برای فعالیت و استفاده گروه‌های سیاسی از این طبقه به وجود می‌آورد. کارگران این دوره نیز بر اساس درکی عقلانی از وضعیت خود به حمایت از گروه‌ها و جریان‌هایی پرداخت که توان برآورده کردن حقوقشان را داشت. باین حال تلاش آن‌ها برای تشکیل یک جریان صنفی مستقل به دلیل دخالت گروه‌های سیاسی و ضعف درونی این طبقه ناکام ماند. این طبقه، ناخودآگاه در بسیاری از مسائل سیاسی بدون توجه به منافع طبقاتی خود وارد صحنه شد و نقش‌آفرینی کرد. هرچند که در برخی مواقع به‌خصوص در مواقع بحران‌های اقتصادی و مالی که گریبان کارخانه‌ها را می‌گرفت از فعالیت سیاسی آن‌هم از مجرای حزب توده دست می‌کشید و دخالت نمی‌کرد. درواقع کارگران با آگاهی از وضعیت موجود دست به انتخاب می‌زدند. کارگران صرفاً دل‌بسته این گروه یا آن حزب نبودند، بلکه هر گروهی که می‌توانستند خواسته‌های آن‌ها را نمایندگی کنند، به آن گرایش پیدا می‌کردند. در پایان کارکرد دوگانه اتحادیه‌های کارگری و حزب توده را باید در نظر داشت. تا پیش از تشکیل اتحادیه‌های کارگری، مزد دریافتی کارگران کفاف هزینه‌های زندگی‌شان را نمی‌داد، اما با اقدامات اتحادیه‌ها وضعیت معیشتی و رفاهی کارگران بهبود قابل‌توجهی داشت. پس از اقدامات اتحادیه‌ها جایگاه کارگران در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه نیز تغییر کرد. درواقع در سایه فعالیت اتحادیه‌های کارگری، کارگران شخصیت حقوقی پیدا کردند و توانستند به برخی از حقوق اولیه خود دست یابند. از سوی دیگر جریان‌های سیاسی نظیر حزب توده با تأکید بر فعالیت سیاسی، مسیر مبارزات صنفی و کارگری را به سرنوشت خود گره زدند و باعث انحراف آن شدند. نتیجه این کار این بود که علاوه بر صاحبان صنایع، حکومت و گروه‌های سیاسی مخالف نیز به مبارزه با کارگران پرداختند و مجموع این حوادث مطالبات صنفی کارگران را به حاشیه برد. این مسئله سرانجام مانع از تشکیل اتحادیه‌ها و جریان‌های مستقلی شد که بتوانند خواسته‌های طبقه کارگر صنعتی در اصفهان را نمایندگی کند.

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۳۵

پی‌نوشت

۱. محمدعلی شاه پس از درگیری با مشروطه‌خواهان، باغشاه را مرکز فرماندهی خود قرار داد و پس از به توپ بستن مجلس، چند تن از مشروطه‌خواهان را در آنجا به قتل رساند.

شیوه ارجاع به این مقاله

رجیبی فرد، حسن، سلیمانی، کریم. (۱۴۰۱). تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی؛ بررسی مواجهه طبقه کارگر صنعتی با اتحادیه‌های کارگری در اصفهان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش.). تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱۱(۲).

doi: 10.30465/shc.2022.39991.2321

کتاب‌نامه

- اتابکی، تورج (۱۴۰۰)، تاریخ فرودستان: جستارهایی در تاریخ اجتماعی کارگری و ملی ایران، ترجمه یوسف صفاری، تهران: نشر چشمه و چرخ.
- اتکینسون، آر. اف (۱۳۹۲)، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: طرح نو.
- افتخاری، یوسف (۱۳۷۰)، خاطرات دوران سپری‌شده، به کوشش کاوه بیات و مجید تفرشی، تهران: انتشارات فردوسی.
- اقدامات غیرقانونی شورای متحده مرکزی (۱۳۲۵)، بی‌جا: بی‌نا.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه محمدمین فتاحی و احمد گل محمدی، تهران: نی.
- آذربایجانی، اکبر (۱۳۹۹)، از جنبش یخ تا حکومت کارگری در آبادان، آبادان: نشر پرسش.
- باقری، عزت‌الله (۱۳۸۱)، از وانان تا وین، ۲ ج، تهران: نشر حنا.
- بختیار، شاپور (۱۹۹۶)، خاطرات شاپور بختیار، هاروارد: طرح تاریخ شفاهی ایران مرکز مطالعات خاورمیانه.
- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک: کادرهای حزب توده (۱۳۸۲)، ۲ ج، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)، خاطرات سیاسی دکتر انور خامه‌ای، تهران: نشر گفتار.

۱۳۶ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

- شمیده، محرمعلی (۱۳۷۳)، *زندگینامه شمیده*، به کوشش بهرام چوبینه، آلمان: مرتضوی.
- شیخی، الیاس (۱۳۸۳)، *اصفهان؛ قلب سیاسی ایران معاصر*، اصفهان: دادیار.
- صدری، شمس (۱۳۳۰)، *در راه وظیفه*، اصفهان: چاپخانه خدائی.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۹)، *اسنادی از اتحادیه‌های کارگری (۱۳۳۲-۱۳۲۱ ه.ش)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- طیرانی، بهروز (۱۳۸۴)، *اسناد احزاب سیاسی ایران*، ج ۱، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- فیروز، مظفر (۱۹۹۰)، *زندگی سیاسی و اجتماعی شاهزاده مظفرالدین میرزا فیروز*، به کوشش مهین دولت‌شاه فیروز، پاریس: بی‌نا.
- کی مرام، منوچهر (۱۳۷۴)، *رفقای بالا*، تهران: شب‌ویز.
- کیانی هفت لنگ، کیانوش و پرویز بدیعی (۱۳۷۹)، *ایران در بحران (مهرماه ۱۳۳۰ - شهریور ۱۳۳۶)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- کیهان، مهدی (۱۳۵۹)، *بررسی علمی شرایط کار و زندگی کارگران نساجی در ایران*، ترجمه غ.ن. جویا، تهران: ابوریحان.
- مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۶، جلسه ۳۲، سه‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۲۹.
- میر محمدصادقی، سید رضا (۱۳۹۰)، *درد و دُرد (خاطرات سید رضا میر محمدصادقی)*، به کوشش مرتضی میر دار، رضا مختاری اصفهانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نقیسی، ابوتراب (۱۳۸۰)، *نیض حیات: زندگی و آثار دکتر ابوتراب نقیسی (در گذرگاه طب سنتی و طب نوین ایران)*، به کوشش نسرين نقیسی و مهدی نقیسی، اصفهان: نقش خورشید.
- نقیسی، حبیب (۱۹۸۴)، *خاطرات حبیب نقیسی*، هاروارد: طرح تاریخ شفاهی ایران.
- نیک‌پی، اعزاز (۱۳۴۷)، *تقدیر یا تدبیر؛ خاطرات اعزاز نیک‌پی*، تهران: ابن سینا.
- ابطحی، سید علی‌رضا؛ کشتی آرا، کیمیا (۱۳۹۲)، *گذری اجمالی بر عملکرد تقی فدakar عضو اتحادیه کارگری حزب توده در اصفهان (۱۳۳۲-۱۳۳۰ ش)*، پژوهشنامه تاریخ. تابستان، ش ۳۱.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۴)، *سرگذشت گریزناپذیر اتحادیه مستقل کارگران اصفهان ۱۳۲۳-۱۳۲۱*، مجله گفتگو، ش ۴۳.
- شهیدی، ابوالقاسم (۱۳۵۱)، *انتخابات اصفهان در ۱۳۲۲ چگونه گذشت و چرا استاندار لال شد؟*، خاطرات وحید، ش ۱۷، صص ۴۱-۵۰.

تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی ... (حسن رجیبی فرد و کریم سلیمانی دهکردی) ۱۳۷

لی، ادی (۱۳۸۴)، *نگرشی اقتصادی بر حقوق اتحادیه‌های کارگری*، ترجمه جواد کارگزاری، کار و جامعه، ش ۶۱.

افقری، محمد (۱۳۹۸)، *تحلیل مشارکت سیاسی در انتخابات ادوار پنجم تا بیست و چهارم مجلس شورای ملی (مورد مطالعه: حوزه انتخابیه اصفهان)*، رساله دکتری، اصفهان: گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

انگبر، س ۱۴، ش ۱۷۳۹، ۱۰ فروردین ۱۳۲۱.

بشر، س ۱، ش ۱۱، ۵ تیر ۱۳۲۴.

پیک اصفهان، س ۴، ش ۱۰۰، ۲۱ مرداد ۱۳۳۲.

خدائی، س ۱، ش ۱۹، ۲۶ بهمن ۱۳۳۰؛ س ۱، ش ۲۶، ۱۶ فروردین ۱۳۳۱.

سپینا، ش ۶۲، ۲۲ فروردین ۱۳۲۵؛ ش ۷۷، ۲۴ شهریور ۱۳۲۵.

سرنوشت، ش ۱۰، ۲۳ آبان ۱۳۲۲.

سیاست، س ۲۰، ش ۱۱۶، ۱۹ تیر ۱۳۲۱؛ س ۲۰، ش ۸۲، ۱۱ خرداد ۱۳۲۱.

ظفر، س ۱، ش ۹۰، ۲۱ فروردین ۱۳۲۳.

عرفان، س ۱۸، ش ۲۰۲۴، ۲۲ شهریور ۱۳۲۱؛ س ۲۳، ش ۲۶۰۶، ۱۰ فروردین؛ س ۲۳، ش ۲۶۱۹،

۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۶؛ س ۲۴، ش ۲۶۸۱، ۱۵ آبان ۱۳۲۶؛ س ۲۴، ش ۲۶۹۹، ۵ آذر؛ س ۳۰، ش ۳۳۹۶،

۱۱ آبان ۱۳۳۲.

مردان روز، س ۲، ش ۸۶، ۲۰ شهریور ۱۳۲۵.

نامه رهبر، س ۱، ش ۳، ۱۲ بهمن ۱۳۲۱.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، ۲۹۱۰۰۰۴۷۶، ۲۹۱۰۰۰۱۴۸۲،

۲۹۱۰۰۰۱۷۷۷، ۲۹۱۰۰۰۲۹۹، ۲۹۱۰۰۰۵۹۹، ۲۹۱۰۰۰۲۰۱۹، ۲۹۳۰۰۰۵۷۰۳.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کسام)، انتخابات، جزوه دان ۵، پرونده ۸

ردیف ۱؛ کارتن ۱۷۲، جزوه دان ۵/۱، پوشه ۴، شماره ۶۰۵۱-۱۰۲۱، ۱۱ تیر ۱۳۲۲.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، ۱۲ / ۱۱۶۲۶، ۱۳۲۵.

(11867) Qatar Digital Library, Coll 28/116 'Persia (Iran). Isfahan – Consular situation reports [6r]

(11867) Qatar Digital Library, Coll 28/9(2) 'Persia; Internal affairs; including new Labour Law of 1946 and general labour conditions in Persia'.

۱۳۸ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

Serhan Afacan (2015), State, Society, and Labour in Iran, 1906-1941: A Social History of Iranian Industrialization and Labour with Reference to the Textile Industry, Leiden University.

